



نظریه تعمیم ارکان سه گانه؛ قاعده عمومی مسئولیت مدنی در حقوق ایران و فقه اسلامی

نادر پورارشاد^۱

تاریخ دریافت مقاله: ۱۴۰۲/۰۶/۰۹ تاریخ پذیرش نهایی: ۱۴۰۲/۱۰/۲۶

چکیده

نظریه پردازی در حقوق امری ضروری، مرسوم و مفید بوده است. مسئولیت مدنی که آن را مشتمل بر آشکالی می‌دانند نیز از جمله نهادهای حقوقی است که از ابتدا و به ویژه اکنون بیش از پیش محتاج نظریه پردازی است. پاسخ به این سوال که آیا همه اشکال مسئولیت مدنی در حقوق ایران و فقه اسلامی از ارکان مشترکی برخوردار هستند یا نه؟ می‌تواند نقاب از نظریه ای نوآورانه راجع به مسئولیت مدنی در حقوق ایران و فقه اسلامی بردارد و از گره‌های نظری و عملی آن به ویژه در عرصه آموزش و نیز از فاصله آن با حقوق مسئولیت مدنی سایر کشورها بکاهد. مقاله حاضر با روش توصیفی تحلیلی در مقام پاسخ به پرسش پیش‌گفته برآمده و با توصیف و تحلیل های نو از ارکان سه گانه مسئولیت مدنی به معنای خاص یعنی اتلاف و تسبیب آنها را در سایر انواع مسئولیت نیز موجود یافته و ثابت نموده است تا در پرتو آن، از تقابل نظریه وحدت و تعدد مسئولیت مدنی به نفع نظریه وحدت نیز کاسته باشد.

کلید واژه‌ها

مسئولیت مدنی، ارکان مسئولیت مدنی، فعل زیان‌بار نامشروع، زیان.

^۱ استادیار، گروه حقوق، واحد شهرکرد، دانشگاه آزاد اسلامی، شهرکرد، ایران (نویسنده مسئول):

مقدمه

در ادبیات حقوقی ارکان مسئولیت مدنی که شامل فعل زیان بار نامشروع، زیان و رابطه سببیت عرفی این دو می باشد را فقط در مورد مسئولیت مدنی به معنای خاص^۱ یعنی اتلاف و تسبیب به کار می برند (کاتوزیان، ۱۳۷۰، ص ۱۴۲ و صفایی و رحیمی، ۱۳۹۳، ص ۹۶ و باریکلو، ۱۳۸۵، ص ۶۰ و قاسم زاده، ۱۳۸۷، ص ۷۳) در حالی که مسئولیت به معنای خاص (اتلاف و تسبیب)، عام (ایفاء ناروا، اداره مال غیر، غصب، اتلاف، تسبیب، استیفاء از عمل و مال غیر)، اعم (مسئولیت مدنی قراردادی و غیرقراردادی) و حتی هر نوع مسئولیت دیگر ولو مسئولیت شرعی، اخلاقی و سیاسی نیز از همین ارکان برخوردار است لیکن میزان وضوح و شفافیت این ارکان در مسئولیت مدنی به معنای خاص بیشتر است و این نباید ما را از وجود ارکان یاد شده در سایر اقسام مسئولیت غافل کند. به عبارت دیگر ارکان یاد شده ارکان عمومی مسئولیت هستند.

در مورد مطلب فوق که اساس مقاله حاضر را تشکیل می دهد نویسندگان به طور مستقل و مفصل اظهار نظر نکرده اند لیکن اشاراتی مبهم، گذرا و نزدیک به آن داشته اند. البته با توجه به اجمالی که در این نظرات وجود دارد نمی توان نکات چندانی از آنها در تائید و یا رد نظریه مقاله حاضر دریافت کرد با این حال به ذکر نظرات مزبور می پردازیم شاید که خواننده با استنباط از این نظرات بتواند در تائید و یا رد نظریه مقاله حاضر استفاده ای ببرد. این اشارات به دو دسته تقسیم می شوند. دسته ای که در ظاهر مؤید نظر مقاله حاضر بوده و یا لاقلاً مخالف آن نیستند^۲ مانند نظر دکتر کاتوزیان که دوگانگی مسئولیت مدنی را صرفاً به لحاظ برخی « اختلافات عملی » محدود و مربوط می سازد یا دکتر عباسلو که معتقد است « مسئولیت مدنی قراردادی و قهری دارای سه رکن می باشد (عباسلو، ۱۳۹۰، ص ۱۶). همچنین است دکتر یزدانیان که عبارت « ارکان مشترک مسئولیت قراردادی و قهری » را برای عنوان یکی از فصول کتاب خود بکار برده است (یزدانیان، ۱۳۷۹، ص ۸۸). دکتر صفائی نیز در مقدمه ای که بر کتاب قواعد عمومی مسئولیت مدنی دکتر یزدانیان نوشته به « رویکردهای وحدت گرایانه در مسئولیت مدنی » اشاره داشته

^۱ مسئولیت مدنی در مقابل مسئولیت کیفری شامل مسئولیت مدنی قراردادی و غیرقراردادی است که از آن با عنوان مسئولیت مدنی به معنای اعم یاد می کنند (شهیدی، ۱۳۸۳، ص ۵۰). از مسئولیت مدنی غیرقراردادی نیز با عنوان مسئولیت مدنی به معنای عام نام برده و اتلاف و تسبیب را هم مسئولیت مدنی به معنای خاص می دانند (صفائی و رحیمی، ۱۳۹۳: ۶۱) این در حالیست که برخی مسئولیت مدنی به معنای عام را معادل مسئولیت مدنی قراردادی و غیرقراردادی و مسئولیت مدنی خاص را معادل مسئولیت مدنی غیرقراردادی دانسته اند (قاسم زاده، ۱۳۸۷: ۲۱)

^۲ البته این نظرات بیشتر ناظر بر همانندی و همسوئی مسئولیت مدنی قراردادی با قهری هستند در حالیکه مقاله حاضر دامنه این همانندی و همسوئی را به اشکال مختلف مسئولیت مدنی نیز کشانده و بر این اعتقاد است که ارکان مسئولیت مدنی در همه شکل های مسئولیت مدنی به هر معنایی از آن وجود دارد و در نتیجه پیوند مسئولیت مدنی عمق بیشتری - از آنچه که در ظاهر فهمیده می شود - دارد.

است (یزدانیان، ۱۳۸۶، ص ۲۶). دکتر ره پیک هم با عبارتی صریح این دو نوع مسئولیت را یکی دانسته (ره پیک، ۱۳۷۸، ص ۲۵) که می‌توان او را نیز به طور ضمنی معتقد به وجود ارکان مشترک در این دو مسئولیت دانست.

در میان نویسندگان اما دکتر صفایی و رحیمی به نحو آشکارتری قائل به وحدت بنیادین مسئولیت مدنی به ویژه در حقوق ایران و فقه اسلام شده‌اند (صفایی و رحیمی، ۱۳۹۳، ص ۹۲) در حقوق خارجی نیز رویکردهای نظری و عملی به نظریه وحدت بنیادین مسئولیت مدنی دیده می‌شود. به عنوان مثال می‌توان به مواضع کمیسیون اصلاح قانون مدنی فرانسه اشاره کرد. بعضی از کشورها هم مانند سنگال یا کانادا (کبک) عملاً نظریه وحدت بنیادین مسئولیت مدنی را پذیرفته‌اند. این رویه در کنوانسیون ورشو ۱۹۲۹ راجع به حمل و نقل هوایی و کنوانسیون بروکسل ۱۹۶۱ راجع به حمل و نقل دریایی نیز ملاحظه می‌شود (Tunc, 1989, p 45).

مطالعات نشان می‌دهد که در حقوق پاره ای کشورها مانند فرانسه، انگلیس و آمریکا نیز فاصله بین مسئولیت مدنی قراردادی و غیرقراردادی رو به کاهش رفته است.^۱

لازمه یک چنین رویکردهای وحدت‌گرایانه به مسئولیت مدنی این است که نقاط مشترک اساسی یا به تعبیر دیگر ارکان عمومی در همه انواع و اشکال مسئولیت مدنی وجود داشته باشد. این ارکان سه گانه همان ارکان سه گانه ای هستند که تا پیش از این فقط در مورد مسئولیت مدنی به معنای خاص لحاظ می‌شدند. به این ترتیب زمینه ذهنی برای تألیف نظریه تعمیم ارکان سه گانه مسئولیت مدنی به همه اشکال مسئولیت مدنی در حقوق ایران فراهم می‌شود.

در مقابل دیدگاه‌های کلی وحدت‌گرایانه یک دیدگاه دیگری هم وجود دارد که توصیه می‌کند تا از ارائه نظریه کلی مسئولیت و عمومیت بخشیدن به شرایط و آثار مسئولیت مدنی به معنای خاص - که می‌تواند زمینه‌های وحدت مسئولیت مدنی را تقویت سازد - اجتناب کرد (بابایی، ۱۳۹۹، ص ۲۹)

با این مقدمات به سراغ اصل مساله و موضوع مقاله می‌رویم. ما معتقد هستیم ارکان سه گانه مسئولیت مدنی به معنای خاص در همه اشکال مسئولیت مدنی وجود دارند. چنین دیدگاهی را تاکنون کسی به این صراحت بیان و اثبات نکرده است. در ادامه و برای اثبات این ادعا، ارکان مسئولیت مدنی را

^۱ در قانون مدنی ایران به تبع حقوق اسلام علی‌الاصول مسئولیت قراردادی با غیرقراردادی تابع نظام واحد بوده مگر اینکه در قرارداد به وجه التزام به عنوان مسئولیت ناشی از نقض قرارداد تصریح یا چنین چیزی به طور ضمنی استنباط شود. در این صورت مسئولیت از آثار قرارداد می‌باشد. ماده ۲۲۱ قانون مدنی هم چنین حکمی را بیان می‌کند (کاظمی و زارعی، ۱۴۰۱، ص ۲۲۳ و نعمت الهی، ۲۳۹۵: ۱۰۳). برای دیدن نظر نسبتاً مخالف رجوع کنید به: وحدتی بشری، ۱۳۸۸، ص ۱۶۹.

^۲ برای اطلاع بیشتر رجوع کنید به: هاشمی، سید احمد علی، نظریه وحدت بنیادین نظام مسئولیت قراردادی و نظام مسئولیت خارج از قرارداد و آثار آن با مطالعه تطبیقی، رساله دکتری، دانشگاه امام صادق، دانشکده معارف اسلامی و حقوق، ۱۳۸۷.

که بیشتر در مورد مسئولیت مدنی به معنای خاص به کار می‌روند بیان و با سایر اشکال^۱ (شکل‌ها) مسئولیت مدنی به معنای اعم تطبیق داده و سپس فوائد این تعمیم را بیان می‌کنیم. برای اینکه امر جستجو و اثبات ارکان سه گانه مسئولیت مدنی به معنای خاص در همه اشکال مسئولیت مدنی با سهولت و سرعت بیشتری انجام گیرد می‌باید تحلیل تازه ای هم از این ارکان ارائه داد و این خود جلوه ای دیگر از رویکرد نوآورانه مقاله حاضر می‌باشد.

۱- فعل زیان بار نامشروع:

فعل زیان بار نامشروع یا خود « نقض تعهد » یا نتیجه و تجلی آن است. در صورت اخیر ارتباط فعل زیان بار با نقض تعهد به حدی است که می‌توان فعل زیان بار نامشروع را که در واقع ناشی از نقض تعهد است با خود نقض تعهد یکی دانست و در مجموع نقض تعهد را فعل زیان بار نامشروع دانست. بر این اساس در تمام اشکال مسئولیت مدنی شاهد نقض تعهد هستیم. به عبارت دیگر تا تعهدی وجود نداشته باشد و تا زمانی که یک چنین تعهدی نقض نشود و از نقض آن زیان ایجاد نگردد هیچ مسئولیتی قابل تصور نیست.

از آنجا که معمولاً فعل زیان بار نامشروع در مورد مسئولیت مدنی به معنای خاص به کار می‌رود وجود و جستجوی آن در سایر اشکال مسئولیت مدنی امری بدیع و شاید غیرممکن به نظر آید اما این گونه نیست و با کمی تحلیل می‌توان آن را در همه اشکال مسئولیت مدنی موجود یافت. توضیح این مطلب در ادامه و با مثال هایی که ذکر می‌شوند خواهد آمد.

به این ترتیب فعل زیان بار نامشروع همان نقض تعهد عام احتیاط و زیان نزدن به دیگری است (امینی و نوعی، ۱۳۹۱، ص ۹ و کاتوزیان، ۱۳۷۰، ص ۱۷ و قاسم زاده، ۱۳۸۷، ص ۷۴ و اصل ۲۳ قانون اساسی) که گاه برخی از مصادیق مهم آن در قوانین و عرف به نحو مشخص تری مورد اشاره و تاکید قرار می‌گیرد. تعهد به زیان نزدن به دیگران در معنای خاص و رایج آن که کاستن از کمیت و کیفیت است خلاصه و محدود نمی‌شود چرا که هر بر هم زدن ناروای وضعیت حقوقی اشخاص، زیان است و کاستن از کمیت و کیفیت نمونه بارز و شایع برهم زدن ناروای وضعیت حقوقی اشخاص می‌باشد. توضیح بیشتر این مطلب به هنگام پرداختن به رکن دوم مسئولیت مدنی خواهد آمد.

^۱ در مورد شکل‌های مسئولیت مدنی به معنای عام از عبارات مختلفی استفاده شده است مانند صور خاص (ره پیک، ۱۳۷۳، ص ۱)، منابع (عباسلو، ۱۳۹۰، ص ۵۱)، عناوین خاص (باریکلو، ۱۳۸۵، ص ۱۰) مصادیق (حسینی نژاد، ۱۳۷۰، ص ۱۱۸). عبارتی که دکتر ره پیک به کار برده دقیق تر به نظر می‌رسد و نزدیک به تعبیر « اشکال » است که ما به کار برده ایم. انتخاب این تعبیر تحت تاثیر نظریه مورد بحث در مقاله حاضر انجام گرفته است.

^۲ اصل ۲۲ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران: « حیثیت، جان، مال، حقوق، مسکن و شغل اشخاص از تعرض مصون است مگر در مواردی که قانون تجویز کند. »

اشاره به این نکته از برای این بود که گفته شود تعهد به زیان نزدن جلوه های متفاوتی پیدا می کند به عنوان مثال تعهد به احترام به اموال دیگران و یا تعهد به عدم استیلاء و استفاده از اموال دیگران مصادیق و یا عبارت آخری تعهد به زیان نزدن می باشند. با یک چنین برداشتی از تعهد به زیان نزدن می توان نقض آن را در همه اشکال مسئولیت مدنی مشاهده نمود

همچنان که گفته شد فعل زیان بار یا خود نقض تعهد است یا نتیجه و تجلی آن. بنابراین امر تطبیق را به طور مجزا در مورد فعل زیان بار نامشروع در هر یک از صور یاد شده به عمل می آوریم.

الف - فعل زیان بار نامشروع خود تخلف از تعهد است:

در ایفاء ناروا؛ گیرنده مال ناقض « تعهد عام به عدم استیلاء بر مال غیر » و نیز ناقض « تعهد به عدم دریافت من غیر حق مال غیر » است. نقض یک چنین تعهداتی معادل با فعل زیان بار نامشروع می باشد. در این جا باید توجه داشت که مراد ما از زیان، زیان به معنای عام آن یعنی تغییر دادن ناروای وضعیت حقوقی اشخاص است. این نکته پیرامون زیان در همه اشکال مسئولیت مدنی صادق می باشد. در این مورد قبلاً و بعداً توضیحاتی آمده لیکن از جهت تأکید مجدداً آن را در اینجا یادآور شدیم .

در اداره مال غیر : این که هر مالکی نباید مالش را در شرایطی قرار بدهد که منجر به مداخله اداره کننده ای بشود یک تعهد عام و از مصادیق تعهد به زیان نرساندن به دیگران است. بنابراین نقض یک چنین تعهدی معادل با فعل زیان بار نامشروع می باشد. توضیح اینکه تعهد عام به احتیاط و مراقبت از اموال خود ایجاب می کند تا دیگران را در شرایط ضرورت و یا اضطراری اداره مال غیر قرار ندهیم (chshire, Fifoot Furmstone, 2012, p603 و Flour et Arbert, 2011, p14). اگر چنین شد زیان وارده به مدیر و سایر اشخاص بر عهده ناقض تعهد یا به عبارت دیگر فاعل فعل زیان بار نامشروع می باشد.

در غصب : نقض تعهد به عدم استیلاء بر مال (حق) غیر از سوی غاصب به نحو کاملاً روشنی مبین وقوع فعل زیان بار نامشروع از سوی او می باشد. این وضوح شاید یکی از همان جهاتی باشد که غصب را در حقوق خارجی همراه با اتلاف و تسبیب در دسته جرم و شبه جرم قرار می دهد (صفائی و رحیمی، ۱۳۹۳، ص ۸).

در اتلاف: مباشر (متلف) تعهد خود را به احتیاط، مراقبت و حفظ حرمت مال و جسم و روان غیر نقض می کند. نقض یک چنین تعهدی معادل فعل زیان بار نامشروع است.

در استیفاء: تخلف استیفاء کننده از تعهد نسبت به حرمت عمل (فعل) و مال غیر معادل فعل زیان بار نامشروع است. در استیفاء روا اذن رفع مانع از استیلاء می کند (امامی، ۱۳۷۳، ج ۳، ص ۱۷۶) ولی موجب اباحه کاستن از دارایی یک فرد و افزون شدن دارایی دیگری نمی شود زیرا افزون شدن دارایی باید به موجب یکی از اسباب مملک ماده ۱۴۰ قانون مدنی باشد.

ب - فعل زیان بار نامشروع نتیجه و جلوه نقض تعهد است

در تسبیب قانونی: در تسبیب، تعهد قانونی یا عرفی نقض می‌شود لیکن از این نقض تعهد به طور مستقیم موجب زیان نمی‌شود بلکه موجب فعل زیان بار می‌گردد در این حالت فعل زیان بار اصالت چندان ندارد و ارتباط زیان با نقض تعهد آن چنان زیاد و قابل توجه است که در پوشش نقض تعهد قرار می‌گیرد از این رو می‌توان نقض تعهد را با کمی مسامحه معادل فعل زیان بار نامشروع تلقی نمود (لطفی، ۱۳۷۹، ص ۶۴).

در تسبیب قراردادی: تحلیل مسئولیت مدنی قراردادی ما را به این نتیجه می‌رساند که این مسئولیت به ویژه از منظر حقوق ماهوی جلوه ای از تسبیب است (عباسلو، ۱۳۹۰، ص ۱۶ و ره پیک، ۱۳۷۸، ص ۲۵ و امیری قائم مقامی، ۱۳۷۸، ص ۱۶۰ و یزدانیان - مقدمه دکتر صفائی -، ۱۳۸۶، ص ۱۹) لیکن به جهت شکلی و در مرحله دعوا وضعیت خاصی می‌یابد. به نظر ما این وضعیت به اقتضاء احکام ادله اثبات دعوا بوده که امر عارضی است. بنابراین مسئولیت مدنی قراردادی از نظر ما همان تسبیب است ولی به جهت تفاوت‌هایی که در مرحله دعوا با تسبیب پیدا می‌کند تسبیب را بر دو قسم دانسته ایم یکی تسبیب قانونی و دیگری تسبیب قراردادی. از همین رو و از ابتدا قائل به این تقسیم‌بندی شده و بحث خود را در قالب این تقسیمات مطرح کرده‌ایم.^۱

می‌دانیم که قرارداد منشاء تعهد است. چنانچه متعهد قراردادی مرتکب نقض تعهد شود و از آن زیان ایجاد گردد مسئولیت مدنی می‌یابد. در چنین حالتی نقض تعهد قراردادی به طور مستقیم موجب زیان نمی‌شود بلکه زمینه ایجاد فعل زیان بار را فراهم می‌کند لیکن عرف زیان را به نقض تعهد نسبت می‌دهد از این رو نقض تعهد با اندکی مسامحه به عنوان فعل زیان بار تلقی می‌شود. در عین حال یک چنین نقض تعهدی، تقصیر هم به حساب می‌آید. بنابراین آنچه که اتفاق می‌افتد عین تسبیب است.^۲ فقط تنها تفاوت به منشاء تعهد بر می‌گردد که البته این داخل در مسئولیت مدنی نیست. به هر حال بحث ما ثابت است زیرا بحث ما امکان تطبیق فعل زیان بار نامشروع در همه اشکال مسئولیت مدنی است که به این ترتیب در مورد مسئولیت مدنی قراردادی هم تطبیق صورت گرفت. ضمن این که سخن نسبتاً

^۱ برای دیدن نظر مخالف رجوع کنید به: مقدمه‌ای که دکتر محقق داماد بر کتاب مسئولیت مدنی دکتر مهدی قربان پور نوشته اند (قربان پور، ۱۳۹۱، ص ۱۲) دکتر محقق داماد معتقد است مسئولیت قراردادی از مقوله تسبیب نیست زیرا در تسبیب بحث تلف مطرح است لیکن در مسئولیت مدنی قراردادی تلف مطرح نمی‌شود. این نظر دکتر محقق داماد با تعریفی که میرزا محمد حسین نائینی و مکارم شیرازی از ضرر دارند سازگار نیست (نائینی، ۴۱۸: ۳۷۸ و مکارم شیرازی، ۱۳۸۲ق، ص ۴۹) ضمن اینکه باید توجه داشت تلف مال مصداقی از ضرر است و مهم خود ضرر است نه مصداق آن.

^۲ دیوان کشور فرانسه از نقض یک رای دادگاه ماهوی که در آن به جای ماده ۱۴۷ قانون مدنی فرانسه (مربوط به مسئولیت مدنی قراردادی) به مواد ۱۳۸۲ و ۱۳۸۳ این قانون (مربوط به مسئولیت مدنی غیرقراردادی) استناد شده است بر اساس این که همه شرایط مسئولیت قراردادی در مسئولیت غیرقراردادی هم موجود است خودداری کرده است. (شهیدی، ۱۳۸۳، ص

جدیدی هم با تفصیل بیشتر مطرح شد و آن هم خانواده بودن مسئولیت مدنی قراردادی با تسبیب بود امری که از فاصله مسئولیت مدنی قراردادی با غیرقراردادی می‌کاهد.

۲- زیان

دومین رکن از ارکان مسئولیت مدنی زیان است که از آن به عنوان کاستی ناخواسته ناروا یاد می‌شود (باریکلو، ۱۳۸۵، ص ۶۱). این مطلب تداعی کننده آن است که در سایر اشکال مسئولیت مدنی زیان وجود ندارد (امیری قائم مقامی، ۱۳۷۸، ص ۱۵۶) بر همین مبنا برخی از نویسندگان مسئولیت مدنی را در سه حوزه متفاوت زیان، استیلا و استیفاء تحلیل کرده‌اند (قاسم زاده، ۱۳۸۷، ص ۷). این در حالیست که چنین نگاهی با تعریف کلی مسئولیت مطابقت ندارد زیرا مسئولیت در نتیجه نقض زیان بار تعهد ایجاد می‌شود صرف نظر این که منشا و موضوع تعهد چه باشد. پس محدود ساختن معنا و قلمرو زیان به کاستی از شمول تعریف مسئولیت و قابلیت تطبیق اشکال مختلف مسئولیت با تعریف آن می‌کاهد.

راه حل این است که برای زیان یک معنای عامی ارائه کرد. همان طور که بیان شد مسئولیت به طور کلی نتیجه نقض زیان بار تعهد است این تعریف مقتضی آن است که زیان در هر شکل از اشکال مسئولیت مدنی وجود داشته باشد. پس باید تعریفی از زیان ارائه کرد که واقعیت زیان را در همه اشکال مسئولیت مدنی در بر بگیرد. اگر در همه اشکال مسئولیت مدنی به خوبی نگاه شود مشاهده می‌گردد که تغییر وضعیتی رخ داده است. اتفاقاً در اصول جبران ها نیز بر اساس همین منطق اصل اعاده وضع به حال سابق تالیف شده است^۱. پس بهتر است زیان را به تعبیر ما «تغییر ناروا وضعیت حقوقی اشخاص» یا به تعبیر مارتن دلاموت «تغییر نظم حقوقی موجود» دانست (امیری قائم مقامی، ۱۳۷۸، ج ۱، ص ۱۳۹ و da la Moutte, 1951, p21). این تعریف با تعریف رایج زیان که کاستی در کمیت و کیفیت است منافاتی ندارد و در برگیرنده آن است زیرا هر کاستی در کمیت و کیفیت در واقع تغییر وضعیت است. برای اینکه زیان در معنای کاسته شدن از کمیت و کیفیت همچنان جایگاه خود را حفظ کند و در تفهیم و تفهم وقفه ای ایجاد ننماید می‌توان زیان در معنای اخیر را زیان به معنای خاص دانست.

حال به بررسی و تطبیق زیان به معنای تغییر وضعیت در اشکال مختلف مسئولیت مدنی می‌پردازیم. در ایفاء ناروا: دادن مال از سوی مؤدی به گیرنده موجب تغییر ناروای وضعیت حقوقی مؤدی می‌شود. از همین رو وضعیت باید به حال سابق اعاده گردد.

در اداره مال غیر: در فعل و مال مدیر و سایر اشخاص دخیل در اداره که مصروف امر اداره می‌شود تغییر ناروا صورت می‌گیرد. یک چنین تغییری در وضعیت حقوقی اشخاص یاد شده از نظر مقنن ناروا

^۱ با وجود این اصل، قانون مسئولیت مدنی مصوب ۱۳۳۹ در ماده ۳ اختیار روش مناسب را به قاضی می‌دهد.

می‌باشد. این مطلب به نقض تعهد دارا شدن عادلانه و لزوم دارا شدن به موجب اسباب قانونی مملکه از سوی مالک بر می‌گردد.

در غصب: حق و مال مالک که مورد استیلاء قرار می‌گیرد حکایت از تغییر ناروا وضعیت حقوقی مالک دارد. وضعیت سابق بر غصب یک وضعیت حقوقی مورد تایید مقنن بوده که توسط غاصب بدون مجوز قانون یا اجازه مالک برهم زده می‌شود. این تغییر وضعیت از نظر مقنن روا نیست.

در اتلاف: با از بین رفتن یا نقص وعیبی که در مال و جسم و جان و روان دیگری ایجاد می‌شود وضعیت حقوقی دیگری به طور ناروا تغییر می‌کند. این تغییر وضعیت حقوقی همان است که به کاستی در کمیت و کیفیت هم از آن یاد شده و زیان یا خسارت یا ضرر به معنای خاص و شایع است. (باریکلو، ۱۳۸۵، ص ۶۱ و شهیدی، ۱۳۸۳، ص ۶۸)

در تسبیب قانونی: تغییر وضعیت در نتیجه تسبیب به مانند اتلاف است. از این رو هر آنچه در این مورد برای اتلاف گفته شد پیرامون تسبیب هم صادق است.

در تسبیب قراردادی: تغییر وضعیت در تسبیب قراردادی نیز مانند اتلاف و تسبیب قانونی است. در استیفاء: با استیفاء از فعل یا مال دیگری استفاده شده و بر دارایی خود افزوده می‌گردد. نتیجه این عمل، کاستن از دارائی دیگری است آنهم بدون اینکه قانون یا مالک به چنین امری رضایت داده باشند. پس با استیفاء در وضعیت حقوقی دیگری تغییر ناروائی ایجاد می‌شود. این تغییر ناروا وضعیت حقوقی همان زیان است که به معنای خاص زیان هم نزدیک می‌باشد.

۳- رابطه سببیت عرفی بین زیان با فعل زیان‌بار نامشروع

در این مورد مناقشه و اختلاف چندانی وجود ندارد. ارتباط بین دو رکن یاد شده با تعریف جدیدی که از آنها ارائه شد در تمام اشکال مسئولیت مدنی به نحو غیر قابل مناقشه‌ای قابل درک و دریافت است از این رو توضیح چندانی نمی‌طلبد. در قسمت اول بیان شد که فعل زیان بار در واقع همان نقض تعهد است و معلوم شد که نقض تعهد یا فعل زیان‌بار در تمام اشکال مسئولیت مدنی به چه نحوی رخ می‌دهد. در قسمت دوم هم ملاحظه گردید که نقض تعهد یا فعل زیان وضعیت جدیدی را در نتیجه تغییر وضع سابق بوجود می‌آورد.

در مورد رابطه سببیت در مسئولیت مدنی باید توجه داشت که این رابطه از دو جهت قابل توجه است. یکی رابطه سببیت بین فعل زیان‌بار نامشروع با زیان و دیگری رابطه سببیت بین فاعل و فعل زیان‌بار نامشروع (ژوردن، ۱۳۸۵، ص ۹۶). اولی از ارکان مسئولیت مدنی است و دومی برای پیدا کردن مسئول مدنی. برخی از نویسندگان بین این دو مطلب تفاوتی قائل نمی‌شوند و آنها را با هم خلط می‌کنند (حاجی نوری، ۱۳۸۹، ص ۶۱). اثر عملی این تفکیک در علل رافعه مسئولیت مدنی خود را نشان می‌دهد. بماند اینکه نویسندگان علل رافعه و موجهه مسئولیت مدنی را در مسئولیت مدنی به معنای خاص محدود نموده

و آنها را از مباحث اقماری این شکل از اشکال می‌دانند. در حالی که علل رافعه و موجهه و سایر مباحث اقماری مانند اهداف، مبانی و ... محدود به مسئولیت مدنی خاص نبوده و در مورد سایر اشکال مسئولیت مدنی هم موضوعیت می‌یابد همچنانکه یک چنین تعمیم و عمومیتی در مورد ارکان مسئولیت مدنی موضوعیت داشته و در این مقاله به آن پرداخته شد.

منطق و طبیعت اقتضاء می‌کند تا فعل زیانبار نامشروع به فاعل واحد یا متعدد به طور مستقیم (مباشرت) یا غیرمستقیم (تسبیب) مربوط شود. گاه این رابطه در ظاهر وجود دارد لیکن با کمی دقت معلوم می‌شود که چنین تصویری درست نبوده و به تعبیری دیگر این ارتباط ظاهری توسط عوامل خارجی قطع شده است. از یک چنین امری به عنوان علل رافعه مسئولیت مدنی یاد می‌شود. در این مورد گرچه فعل زیانبار همچنان نامشروع است اما ارتباطی با فاعل ظاهری ندارد از این رو موجب رفع مسئولیت از او می‌شود (پورارشاد، ۱۳۹۴، ص ۷۳).

۴- یافته‌ها

۴-۱- مسئولیت مدنی و به طور کلی هر مسئولیتی دارای سه رکن می‌باشد. این فرمول یا قاعده به فهم مسئولیت به طور کلی و یا مسئولیت مدنی و فلسفه ایجاد آن در حقوق ایران و فقه اسلامی کمک می‌کند. توضیح اینکه قاعده عمومی مسئولیت مدنی که یک قاعده جهانی است و تقریباً در همه کشورها پذیرفته شده مبتنی بر همین ارکان سه گانه مسئولیت مدنی است. چنین قاعده‌ای در قانون مسئولیت مدنی مصوب ۱۳۳۹ تجلی پیدا کرده است. از این رو می‌توان ادعا کرد که با وجود این قانون و ارکان سه گانه‌ای که مورد تأکید آن است نیاز چندانی در توسل به اشکال مسئولیت مدنی مذکور در قانون مدنی وجود نداشته باشد. این البته به معنای پیشرو بودن حقوق خارجی از حقوق داخلی و فقه اسلامی در مورد مسئولیت مدنی نیست زیرا آنچه در قاعده آمده در بیان اشکال مسئولیت مدنی ملحوظ نظر حقوق داخلی و فقه اسلامی بوده است. به عبارت دیگر حقوق داخلی و فقه اسلامی مسئولیت مدنی را به طور مصداقی تعریف و تبیین نموده‌اند (شریعت باقری، ۱۳۸۷، ص ۱۹). این رویه در سایر موضوعات و تاسیسات حقوقی نیز مشاهده می‌شود.

به این ترتیب ملاحظه می‌شود که قائل شدن ارکان سه گانه برای مسئولیت مدنی در حقوق ایران و فقه اسلامی باعث نزدیکی این دو به حقوق سایر کشورها و حتی نظام بین الملل در زمینه مسئولیت مدنی می‌شود. چرا که رویکردهای جهانی به سمت قاعده عمومی مسئولیت مدنی است و مباحثی که در این زمینه مطرح می‌شود در پرتو نظریه مزبور است. از جهت دیگر تمرکز بر اشکال شناخته شده مسئولیت مدنی در حقوق ایران ممکن است در پاره‌ای از موارد پاسخگوی نیازهای حقوقی جامعه در حال تحول ایرانی نباشد. این نکته ضرورت توجه بیش از پیش را به وجود نظریه عمومی مسئولیت مدنی که خود متکی بر ارکان سه گانه است می‌رساند. (لطفی صمیمی، ۱۳۹۹، ص ۷۸)

۲-۴- قائل شدن ارکان سه گانه برای اشکال مختلف مسئولیت مدنی باعث می‌شود که همه اشکال مسئولیت مدنی را از یک خانواده دانست و راه را برای وحدت بنیادین مسئولیت مدنی هموارتر ساخت. تفاوت هایی که برای اشکال به ظاهر مختلف مسئولیت مدنی بیان شده به حدی نیست که بین آنها مرزی ایجاد کند.^۱ برخی از این تفاوت ها که از سوی نویسندگان مطرح شده (کاتوزیان، ۱۳۷۰، ص ۶۲) قابل مناقشه است مانند تضامنی بودن مسئولیت مدنی غیر قراردادی یا قابل مطالبه بودن خسارات قابل پیش بینی در مسئولیت مدنی قراردادی. این تفاوت ها عمدتاً از اقتضائات ادله اثبات و دعوا و اداره دادرسی است. برخی دیگر هم مانند بحث قابل پیش بینی بودن خسارت اساساً با حقوق ایران و فقه اسلامی سازگار نیست (باریکلو، ۱۳۸۵، ص ۷۹). با مشخص نمودن مرز مباحث ثبوتی و حقوقی مسئولیت مدنی از مباحث اثباتی و قضائی زمینه برای فهم بهتر مسئولیت مدنی در قالب یک نظریه عمومی فراهم تر می‌شود.

۳-۴- دو نکته ای که در این قسمت بیان شدند زمینه را برای طرح یک پلان منسجم و مرتبط از مسئولیت مدنی فراهم می‌کنند. بررسی کتاب هایی که در زمینه مسئولیت مدنی نگاشته شده اند حکایت از آن دارد که اولاً رویه یکسانی در گزینش و چینش عناوین مسئولیت مدنی وجود ندارد. ثانیاً مدخل و مخرج بحث ها بنا به تلقی های مختلف از مسئولیت مدنی متفاوت است. ثالثاً ارتباط منطقی بین مطالب به ویژه برای نوآموزان حقوق و کاربران غیر حرفه ای به راحتی قابل درک و دریافت نیست. این در حالی است که می‌توان پس از تبیین جایگاه مسئولیت مدنی در میان انواع مسئولیت بر نوع مسئولیت مدنی متمرکز شد و به تعریف، ارکان، مبانی، منابع، اهداف، علل رافعه و موجهه، اصول و روش‌های جبران و سپس اشکال آن و احکام خاص هر شکل پرداخت. پیش از این برخی نویسندگان از آشفتگی موجود در ادبیات حقوقی مسئولیت مدنی انتقاد کرده و معتقد بوده اند « تداخل و تقارب مباحث الزامات بدون قرارداد، مسئولیت مدنی و ضمان قهری اوضاع آشفته ای ساخته است که تدوین منطقی این مباحث در حقوق ما باز به کاری دراز نیاز دارد (شریعت باقری، ۱۳۸۷، ص ۱۹)

نتیجه گیری و پیشنهاد

فهم و آموزش آسان مسئولیت مدنی مستلزم نگاه دقیق تری به این مقوله است. در حال حاضر متون و ادبیات مسئولیت مدنی در عین صحت و دقت از یک پیچیدگی و نیز تاثیرپذیری از سلاقی و نگاه‌های متفاوت نویسندگان برخوردار است و همین ویژگی، امر آموزش و فهم آن را برای معلمان و متعلمان سخت می‌کند. این در حالی است که با یک نگاه جدید می‌توان زمینه را برای طرح منسجم‌تر و مرتبط‌تر

^۱ برای دیدن عمق مشترکات اشکال به ظاهر مختلف مسئولیت مدنی رجوع کنید به: (خاندانی، ۱۳۹۵، ص ۹۷)

مطالب مسئولیت مدنی فراهم کرده و مدخل و مراحل قابل فهمی را برای ورود خوانندگان و آموزندگان رقم زد به گونه ای که مطالب با یک نظم منطقی و قابل فهم، خواننده و آموزنده را به ادامه یادگیری ترغیب سازند.

این امر با قائل شدن ارکان سه گانه (فعل زیانبار نامشروع، زیان و رابطه سببیت عرفی بین آنها) برای مسئولیت مدنی به معنای اعم امکان پذیر است. در حال حاضر ارکان سه گانه مسئولیت مدنی فقط در مورد شکل خاصی از مسئولیت مدنی یعنی مسئولیت مدنی به معنای خاص (اتلاف و تسبیب) مطرح می شوند حال آنکه این نکته در مورد تمام اشکال مسئولیت مدنی قابل طرح است. هر چند که نمود آن در مسئولیت مدنی به معنای خاص بیشتر است.

مقاله حاضر با ارائه توصیفات و تحلیل های نسبتاً جدید از دو رکن فعل زیانبار نامشروع و زیان، ارکان سه گانه مسئولیت مدنی به معنای خاص را قابل انطباق در مورد همه اشکال مختلف مسئولیت مدنی دانسته و آن را ثابت نموده است. همچنین در پرتو این امر، مسئولیت مدنی قراردادی را به عنوان مصداقی از تسبیب تلقی و از آن با عنوان تسبیب قراردادی در کنار تسبیب قانونی نام برده است.

به این ترتیب مقاله حاضر زمینه تحلیلی نو و بیشتری را برای نظریه وحدت بنیادین مسئولیت مدنی فراهم می سازد. این امر علاوه بر همسو سازی حقوق مسئولیت مدنی ایران با حقوق سایر کشورها و حقوق بین الملل موجب تسهیل فهم و آموزش مسئولیت مدنی خواهد شد و مسیر را برای تالیف و تعلیم متون و محتوای آموزشی بر اساس اقتضاء منطق پدیده اعتباری مسئولیت مدنی مساعدتر می نماید.

منابع

۱. امامی، سید حسن، «حقوق مدنی»، جلد ۱، چاپ چهاردهم، انتشارات کتابفروشی اسلامیة، ۱۳۷۳
۲. امامی، سید حسن، «حقوق مدنی»، جلد ۳، چاپ چهاردهم، انتشارات کتابفروشی اسلامیة، ۱۳۷۳
۳. امینی، عیسی و نوعی الیاس، «قواعد عام مسئولیت مدنی در حقوق انگلستان با نگاهی به حقوق ایران»، تحقیقات حقوقی بین المللی، ش ۱۶، تابستان ۱۳۹۱
۴. باریکلو، علیرضا، «مسئولیت مدنی»، چاپ اول، نشر میزان، ۱۳۸۵
۵. برزگر، امیرعباس، «قوانین مسئولیت مدنی در نظام حقوقی ایران و فرانسه»، چاپ اول، نشر میزان، ۱۳۹۴
۶. پورارشاد، نادر، «کلیات و اصول حقوق مسئولیت مدنی»، چاپ اول، انتشارات نوروزی، ۱۳۹۴
۷. حاجی نوری، غلام رضا، «مطالعه تطبیقی رهیافت های سببیت در مسئولیت مدنی»، فصلنامه مطالعات حقوقی حقوق تطبیقی معاصر، ش ۱، پاییز ۱۳۸۹
۸. حسینی مراغهای، سید میرعبدالفتاح، «عناوین ضمان (اسباب و مسقطات)»، ترجمه و تحقیق محمد جواد شریعت باقری، چاپ دوم، نشر میزان، ۱۳۸۷
۹. حسینی نژاد، حسین قلی، «مسئولیت مدنی»، چاپ اول، نشر جهاد دانشگاهی دانشگاه شهید بهشتی، ۱۳۷۰

۱۰. خندانی، سید پدram، « مطالعه تطبیقی اداره فصولی امور دیگری در حقوق اروپا و ایران »، فصلنامه مطالعات حقوق تطبیقی، دوره ۷، ش ۱، بهار ۱۳۹۵
۱۱. ره پیک، حسن، « حقوق مسئولیت مدنی و جبران ها »، چاپ اول، انتشارات خرسندی، ۱۳۸۷
۱۲. ژوردن، پاتریس، « اصول مسئولیت مدنی »، ترجمه مجید ادیب، چاپ دوم، نشر میزان، ۱۳۸۵
۱۳. ژوردن، پاتریس، « تحلیل رویه ی قضایی در زمینه مسئولیت مدنی »، ترجمه مجید ادیب، چاپ اول، نشر میزان، ۱۳۸۶
۱۴. شهیدی، مهدی، « آثار قراردادها و تعهدات »، چاپ دوم، انتشارات مجد، ۱۳۸۳
۱۵. صفایی، سید حسین و رحیمی، حبیب الله، « مسئولیت مدنی (الزامات خارج از قرارداد) »، چاپ ششم، انتشارات سمت، ۱۳۹۳
۱۶. عباسلو، بختیار، « مسئولیت مدنی (با نگرش تطبیقی) »، چاپ اول، نشر میزان، ۱۳۹۰
۱۷. قاسم زاده، سید مرتضی، « مبانی مسئولیت مدنی »، چاپ چهارم، نشر میزان، ۱۳۸۵
۱۸. قاسم زاده، سید مرتضی، « الزام ها و مسئولیت مدنی بدون قرارداد »، چاپ سوم، نشر میزان، ۱۳۸۷
۱۹. کاتوزیان، ناصر، « حقوق مدنی (ضمان قهری مسئولیت مدنی) »، چاپ سوم، انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۷۰
۲۰. کاظمی، محمود و زارعی، علی، « ماهیت و مبنای مسئولیت قراردادی مطالعه تطبیقی در حقوق اسلام و فرانسه »، پژوهش تطبیقی حقوق اسلام و غرب، ش ۳۳، پاییز ۱۴۰۱
۲۱. لطفی، اسدالله، « موجبات و مسقطات ضمان قهری در فقه و حقوق مدنی ایران »، چاپ اول، انتشارات مجد، ۱۳۷۹
۲۲. لطفی صمیمی، جاوید، « استیفاء و مسئولیت ناشی از آن در حقوق ایران و فرانسه »، فصلنامه پژوهشهای حقوق تطبیبی عدل و انصاف، ش ۸، بهار ۱۳۹۹
۲۳. لوراسا، میشل، « مسئولیت مدنی »، ترجمه محمد اشری، چاپ اول، نشر حقوقدان، ۱۳۷۵
۲۴. مکارم شیرازی، ناصر، « القواعد الفقہیہ »، جلد ۱، مطبعه الحکمه، ۱۳۸۲ هـ
۲۵. نعمت الهی، اسماعیل، « اصالت ضمان قهری و تقدم آن بر مسئولیت قراردادی در فقه امامیه »، فصلنامه حقوق اسلامی، ش ۵۱، زمستان ۱۳۹۵
۲۶. وحدتی بشیری، سید حسن، « مبنای مسئولیت مدنی یا ضمان ناشی از تخلف از اجرای تعهد »، فصلنامه فقه و اصول، ش ۸۲، بهار و تابستان ۱۳۸۸
۲۷. یزدانیان، علیرضا، « حقوق مدنی (قلمرو مسئولیت مدنی) »، چاپ اول، انتشارات ادبستان، ۱۳۷۹
۲۸. یزدانیان، علیرضا، « قواعد عمومی مسئولیت مدنی »، جلد اول، چاپ اول، نشر میزان، ۱۳۸۶
۲۹. هارلو، کارل، « شبه جرم »، ترجمه کامبیز سیدی، چاپ اول، نشر میزان، ۱۳۸۳
۳۰. هاشمی، سید احمد علی، نظریه وحدت بنیادین نظام مسئولیت قراردادی و نظام مسئولیت خارج از قرارداد و آثار آن با مطالعه تطبیقی، رساله دکتری، دانشگاه امام صادق، تهران، ۱۳۸۷

31. Tunc, André: la responsabilite ' civile. no.48. 2^ed. Paris. 1989

32. Jacques Martin da la Moutte: l'acte Juridique unilateral. Paris. 1951

33. Cheshire, Fifoot and Furmstone: Law of contract. 16th edition. London. 2012

34. Floure, Jacques et Arbert, Jean – Luc, Savaux, Eric: Droit Civil, Les obligations. tom 2. 14 eme edition. Paris. 2011



The theory of generalization of the three pillars; The general rule of civil liability in Iranian law and Islamic jurisprudence

Nader pourarshad*

Abstract

Theorizing in law has been necessary, customary and useful. Civil liability, which is considered to include errors, is also one of the legal institutions that needs to be theorized from the beginning and especially now. The answer to the question whether all forms of civil liability in Iranian law and Islamic jurisprudence have common elements or not? It can remove the veil from an innovative theory about civil responsibility in Iranian law and Islamic jurisprudence and reduce its theoretical and practical knots, especially in the field of education, as well as its distance from the civil responsibility laws of other countries. The present article has come up with a descriptive and analytical method as an answer to the aforementioned question and with new descriptions and analyzes of the three pillars of civil responsibility in a special sense, i.e. waste and attribution, it has been found and proven to exist in other types of responsibility as well, so that in the light of it, the conflict between the theory of unity and the plurality of civil responsibility should be reduced in favor of the theory of unity.

Key Words

civil liability, elements of civil liability, illegitimate harmful act, loss.

* Assistant Professor, Department of Law, Sharekord Branch, Islamic Azad University, Sharekord, Iran, (corresponding author): naderpourarshad@gmail.com